

جایگاه مردم سالاری دینی در انتخابات با تأکید بر ادله عقلی و نقلی

محسن کاشانی^۱

مجتبی عقیلی^۲

چکیده

مردم سالاری دینی اصطلاح تازه ای در گفتمان سیاسی ایران است که می توان آن را به عنوان شیوه ای از حکومت داری در کشورهای اسلامی دانست که شهروندان در چارچوب آموزه های شریعت، مشارکتی فعال در انتخابات دارند و اداره و کنترل جامعه، در حوزه سیاسی توسط نمایندگان مردم، مطابق با ارزش های دینی و مذهبی صورت می گیرد. با تشریح جایگاه مهم و نقش حساس و سرنوشت ساز مردم و اتکای واقعی نظام اسلامی به مبانی اسلامی از یک سو و به اراده ی مردم بودن از دیگر سو ، به عنوان دو عنصر اساسی حکومت دینی در ایران قلمداد می شود. چنین حکومتی به دنبال غلبه با زور و سرکوب نیست بلکه حضور مردم را در بسیاری از عرصه های سیاسی - اجتماعی (به ویژه در زمینه تأسیس و استمرار حاکمیت و اقتدار سیاسی آن) ضروری برشمرده و برای آن اهمیت فوق العاده ای قائل است . یکی از خصوصیت های درخشان این نوع حکومت ، الهی بودن حاکمیت و واگذاری حاکمیت از طرف خدا به مردم می باشد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی است که جایگاه مردم سالاری دینی در انتخابات چیست؟ همچنین به دنبال پاسخگویی به سوالات فرعی؛ ۱. جایگاه مبانی فقهی در مشروعیت بخشی به مردم سالاری دینی چیست؟ ۲. مفهوم مردم سالاری دینی در دیدگاه امامین انقلاب چیست؟ ۳. ارتباط و جایگاه انتخابات در مردم سالاری دینی چیست؟ گردآوری مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه ای و به روش توصیفی-تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی: انتخابات، مردم سالاری، ادله، شیعه، عقلی ، نقلی.

۱. کاشانی، محسن، سطح ۴، فقه و اصول، حوزه علمیه فیضیه، قم . ایمیل: mohsenkashani3909@Gmail.com

۲ عقیلی، مجتبی، سطح ۴، فقه و اصول، (استاد سطوح عالی) ، حوزه علمیه فیضیه، قم، ایمیل:

mojtaba11100380@gmail.com

مقدمه

در حوزه مبانی فقهی، برای اعتباربخشی به مردم‌سالاری دینی، مبانی همچون جانشینی انسان از طرف خدا در زمین، اداره جامعه براساس مشورت، مشروعیت قانون‌گذاری انسان در حوزه‌های غیر منصوص (منطقه الفراغ) و بیعت معرفی شده است. نوعی حکومت که از ویژگی‌هایی همچون مشروعیت دوگانه الهی و مردمی، حاکمیت قانون براساس مبانی فقه، نظارت عمومی دائمی بر رفتار کارگزاران حکومتی و اداره امور حکومتی براساس رأی مردم برخوردار است. مردم‌سالاری دینی به عنوان جایگزینی امنیت‌آفرین در برابر سکولاریسم غربی، به عنوان راهکاری برای خروج اسلام از افراط‌گرایی در میان دین و مردم‌سالاری مطرح شده است.

رجوع به آراء مردم و برگزاری انتخابات، یکی از مهمترین راهکارهای عملی برای تحقق مردم‌سالاری است و معیاری برای ارزیابی نقش و جایگاه مردم در نظام‌های سیاسی امروزی است. همانطور که گفته شد، «مردم‌سالاری دینی» به عنوان جایگزین مناسبی برای دموکراسی غربی در حکومت اسلامی مطرح شده است. در این الگوی رفتاری، مردم به عنوان مبنا و محور اقدامات قرار می‌گیرند. برگزاری انتخابات در این راستا بسیار مهم است، زیرا حقوق انتخابات حق و تکلیفی را برای انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان مشخص می‌کند و این امر همچنین طرفین را متعهد به پاسخگویی در مسیر سرنوشت خود و دیگران می‌کند و در مرحله بالاتر، پاسخگویی به خداوند نیز مطرح می‌شود.

از مطالعه تاریخ صدر اسلام نیز می‌توان مشاهده کرد که پیامبر اسلام، در تشکیل حکومت از روی مردمیت پیش رفتند و مجبور به مهاجرت شدند. وقتی به مدینه رسیدند، توده‌های مردمی را با خود به همراه آوردند و حکومت را تشکیل دادند. سپس با جمعیتی حداکثری به مکه رو به رو شدند و مکه را فتح کردند. بینش و تفکر مردم‌سالاری و حق مشارکت همه افراد در اداره امور کشور، دغدغه‌ای است که قدمت آن در ایران به عصر مشروطه بازمی‌گردد و به بیش از صد سال قبل برمی‌گردد. در این پژوهش، پس از بیان پیشینه و تبیین مفاهیم، به بررسی مبانی مردم‌سالاری و تبیین جایگاه آن در انتخابات پرداخته می‌شود و برای اعتباربخشی به این مهم از دیدگاه ادله عقلی و نقلی نیز بررسی خواهد شد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این نوشتار روش توصیفی-تحلیلی است به این طریق که بر اساس مطالعات کتابخانه و یادداشت برداری از منابع تحقیق نقش مردم سالاری دینی در ارتباط با انتخابات به صورت جامع و سازگار بر مبنای دینی بررسی می شود و با به کارگیری روش های عام تحلیل و بررسی تطبیقی مورد واکاوی قرار می گیرد.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه اصطلاح مردم سالاری دینی و انتخابات دو موضوع جدید بعد از انقلاب اسلامی ایران می باشد ، لذا کمتر تالیفی به این دو موضوع پرداخته است که به برخی از این پژوهش ها اشاره می شود :

کتاب : « تقدیر مردم سالاری ایرانی (نقش انتخابات در روند دموکراسی ایران)» نویسنده : حسین بشیریه.

مقاله «تمایز انتخابات در نظم مردم سالاری دینی نسبت به نظم دموکراسی» به کوشش :سید سجاد ایزدهی.

مقاله «انتخابات آزاد شاخصه ای از مردم سالاری د خلافت حضرت امام علی (ع)» محققین : شهره جلال پور ، پریسا موسوی روضاتی.

مقاله «انتخابات در نظام مردم سالار دینی از نگاه مقام معظم رهبری» پژوهشگر: هادی معصومی زارع

در پژوهش های مذکور کمترین توجه به ارتباط فیما بین انتخابات و مردم سالاری دینی شده است که در آخرین مقاله فقط به دیدگاه رهبری پرداخته شده است . امتیاز پژوهش حاضر این است که به بررسی ارتباط دو طرفه بین این دو عنوان پرداخته و دیگر امتیاز این است که در این مقاله مبانی فقهی را نیز مد نظر داشته است .

مفهوم شناسی

اصطلاح «مردم سالاری دینی» برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی ایران توسط امام خامنه ای دامت برکاته مطرح شد. این واژه در دوره های مختلف با عناوینی مانند جمهوری اسلامی و دموکراسی اسلامی و غیره در ادبیات سیاسی کشور یافت می شد، اما ترکیب

«مردم‌سالاری دینی» به ندرت استفاده می‌شد. به نظر می‌رسد که این اصطلاح ظرفیت معنایی بیشتری برای تبیین نظریه سیاسی اسلام در این دوره از تحولات نظام جمهوری اسلامی دارد و می‌تواند به شبهات تئوریک دربارۀ جایگاه مردم در نظام اسلامی پاسخ دهد. (مقام معظم رهبری ۱۳۷۷/۱۲/۴).

الگوی مردم سالاری دینی در نظریۀ حضرت امام (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای مبتنی بر تفکیک مفهوم دموکراسی و دین نیست، بلکه مردم سالاری دینی در این نظریه یک مفهوم است. این مفهوم درون دین قرار دارد و چیزی جدای از دین نیست. قراردادن این مفهوم درون دین و برآمدن آن از فرهنگ اسلامی موجب شده است ماهیت مردم سالاری دینی در این نظریه با نظریه های دیگر، اعم از غربی و غیرغربی، متفاوت باشد.

مقام معظم رهبری در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ آذر ۱۳۸۹ بیان کردند: «نباید اشتباه شود؛ این مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این‌طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه‌ی کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است.»

بنابراین منظور از مردم‌سالاری دینی را تصویری از یک نظام سیاسی دانسته‌اند که شهروندان دین‌باور تلاش می‌کنند با چارچوب قرار دادن آموزه‌های برآمده از شریعت در تدبیر عمومی جامعه مشارکتی فعال داشته باشند و هرگونه استبداد فردی در تصمیم‌گیری‌های عمومی را از چهره نظام سیاسی خود بزدایند. (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱۰۷)

الهی بودن حاکمیت و واگذاری حاکمیت از طرف خدا به مردم، دو اصلی است که در بیشتر تعاریف مردم‌سالاری دینی وجود دارد (مبلغی، ۱۳۹۳: ۴۵) و در اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تأکید شده است. این اصل مکانیزم تلفیق دو نوع حاکمیت را بیان می‌کند: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خدادادی را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند». این اصل می‌گوید اولاً، حاکمیت مطلق از آن خداست و نظام توحیدی نمی‌تواند غیر از این معنا را برساند. ثانیاً، خدا انسان را بر

سرنوشت خویش حاکم نموده است. حاکمیت انسان ناشی از اراده خداست. پس اعتبار مضاعف دارد. ثالثاً، کسی نمی‌تواند این حاکمیت انسان بر سرنوشت خود را از او سلب نماید؛ چرا که واگذار کننده این حق به انسان خداست. پس تنها او می‌تواند چنین حقی را سلب نماید که نکرده است. رابعاً، حق ملی نمی‌تواند در خدمت منافع فرد یا گروه خاص قرار گیرد؛ چون انسان بر انسانی که تحت حاکمیت خداست نمی‌تواند حاکمیت اصیل داشته باشد؛ و آخر این که حق تک تک انسان‌ها در تعیین سرنوشت در شکل اجتماعی در قالب ملت تحقق می‌یابد و به طرق قانونی اعمال می‌گردد. حاکمیت ملی در نظام جمهوری اسلامی طبق این اصل در طول حاکمیت مطلق خداوند قرار گرفته است. منظور این است که دو مرحله از حاکمیت در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است که یکی در طول دیگری قرار گرفته است: حاکمیت خدا بر جهان و انسان و حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش که همان حاکمیت ملی است. هر دو حاکمیت ریشه در اعتقادات اسلامی دارند. (جوان آراسته، ۱۳۸۲، ۷۲)

یافته های پژوهشی:

۱. جایگاه مردم در انتخابات براساس اندیشه مردم سالاری دینی

امام خمینی رحمه الله بر نقش مردم ایران در پیروزی انقلاب اسلامی و اهمیت خواسته‌های مردم (آراء مردم در انتخابات) در چهار چوب دین و شریعت در ساختن نظام، تاکید داشتند. این اهمیت و تاکید نشان می‌دهد که جایگاه و پایگاه مردم در اندیشه مردم سالاری دینی نه تنها کم رنگ نیست بلکه در انتخابات به اوج این جایگاه ظهور می‌کند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، مشارکت مردم به عنوان یک هدف است. امام خمینی همواره به نقش مردم و محوریت این نقش تاکید داشته است. این سخن صریح و جامع ایشان که: «میزان، رای ملت است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۴۵) یا «تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۹) از تاثیر مهم مردم در انتخابات و نقش ایشان در حکومت اسلامی پرده برمی‌دارد.

مراجع عظام تقلید نیز شرکت در انتخابات را لازم دانسته و آن را موجب تقویت و استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند تا جایی که برخی شرکت در انتخابات را واجب عینی می‌دانند. آیت الله نوری همدانی در پاسخ به استفتایی در خصوص انتخابات،

فرمودند: «همانگونه که کرارا بیان شده است شرکت در انتخابات و انتخاب اصلح امری لازم و واجب است». حضرت آیت الله جوادی آملی در این رابطه فرمودند: «هر اقدام و عملی که منجر به تضعیف نظام اسلامی و آرمان های والای امام راحل و شهدای گرانقدر گردد شرعاً جایز نبوده و حرام می باشد.» با توجه به استفتایی که در سال ۱۴۰۰ از حضرت آیت الله علوی گرگانی در مورد شرکت در انتخابات و انتخاب اصلح شده بود، ایشان پاسخ دادند: «ایجاد زمینه حضور گسترده مردم و انتخاب فرد اصلح و متدین و سپردن مسئولیت امور کشور به دست ایشان می تواند در پیشرفت و شکوفایی و اقتدار کشور نقش به سزایی داشته باشد و آینده بهتری را رقم خواهد زد. شرکت مردم در انتخابات و رأی به فرد متعهد و متدین و دلسوز می تواند اقتدار کشور را افزایش داده و قدرت چانه زنی ایران اسلامی را در صحنه بین المللی و منطقه ای افزایش دهد.» حضرت آیت الله سبحانی نیز در این رابطه فرمودند: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا؛ وحدت کلمه نعمت الهی است که برای خود برکاتی دارد. خداوند منّان امر می کند که همگان به حبل الله المتین تمسک جویند. با الهام از این آیه مبارکه برای حفظ مصالح کشور و تحکیم نظام اسلامی همگان در انتخابات شرکت کنیم و به فرد مؤمن، متدین و مدبّر رأی دهیم. انشا الله مشکلات موجود به فضل الهی و در پرتو وحدت کلمه برطرف می شود.»

با توجه به استفتایی که در سال ۱۴۰۰ از حضرت آیت الله مکارم شیرازی در مورد حکم شرکت در انتخابات و تاثیر آن در سطح بین الملل شده بود، ایشان پاسخ دادند: «همانطور که حفظ جان، مال، ناموس، دین و کشور واجب است و باید اینها را حفظ کنیم، رأی دادن نیز که مقدمه حفظ این موارد است، واجب است. به عبارت دیگر مقدمه واجب نیز واجب است. تقویت نظام، بی شک تأثیر بسیار زیادی بر تقویت روحیه مسلمانان و مظلومان سراسر عالم خواهد داشت و هرگونه حرکت و کاری که موجب تضعیف این نظام شود زمینه ناراحتی و نگرانی آنها را فراهم می کند.» حضرت آیت الله نوری همدانی نیز بر مشارکت حداکثری مردم در انتخابات تاکید داشته و فرمودند: «حضور در انتخابات هم واجب شرعی است و هم واجب عقلی؛ اما واجب شرعی است به دلیل آنکه این نظام که با آن همه فداکاری ها و تقدیم شهیدان به وجود آمده است حفظ آن واجب است که امام راحل فرمودند: حفظ نظام از اوجب واجبات است و پیروی از راه شهدا است و حضور در انتخابات بیعت مجدد با نظام اسلامی است و مؤثر در حفظ نظام است. اما واجب عقلی به این دلیل است که عقل می گوید

که انتخابات در سرنوشت انسان اثر دارد و هیچ انسان عاقلی نباید درباره سرنوشت خود بی تفاوت باشد و باید توجه داشته باشیم که: امروز حضور در انتخابات اهمیت ویژه‌ای دارد چه اینکه دشمنان نظام سعی دارند که انتخابات در فضای سرد صورت بگیرد و حضور حداکثری نباشد. از ملت با بصیرت ایران انتظار می‌رود با مشارکت حداکثری و شکوهمند خود، این تبلیغات مخالف را خنثی کنند.» حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نه تنها شرکت در انتخابات نظام جمهوری اسلامی را برای افراد واجد شرایط، یک وظیفه شرعی، اسلامی و الهی دانسته است، بلکه آن را یک واجب عینی معرفی نموده است. (خبرگزاری مهر ۲۶ خرداد ۱۴۰۰)

۲. حاکمیت ملی در مردم سالاری دینی

با مشارکت و تلاش مجدانه مردم در انقلاب اسلامی ایران، سرانجام تحقق عینی حاکمیت مردم صورت حقیقی خود را نشان داد. تا جایی که بیش از ۹۹ درصد از مردم با شرکت در یک انتخابات آزاد به جمهوری اسلامی رأی دادند. در نتیجه، حاکمیت ملت تحقق حاکمیت اسلام و حاکمیت قانون شریعت را به دنبال داشت و ولایت فقیه و ساختار جمهوری اسلامی شکل مناسبی برای تحقق یافتن آن بود. پس حاکمیت ملت در مردم سالاری دینی همانند لیبرال دموکراسی حاکمیت قانون را در پی داشت. فقط با این تفاوت مهم که دموکراسی در غرب با سکولاریسم همزاد و همراه بود، اما در مردم سالاری دینی با حاکم شدن ملت، حاکمیت اسلام و شریعت پدیدار گشت.

بیان این تفاوت در کلام بزرگان مشهود است. مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی(ره)، فرمودند: «حکومت اسلامی به معنای حکومت مسلمین نیست، بلکه به معنای حکومت اسلام است. اگر فقط حکومت مسلمین باشد، عاقبت اینکه مسلمانی در رأس کار قرار می‌گیرد و رفتار شخصی او خوب خواهد بود و احیاناً نمی‌گذارد در ظواهر جامعه فسق و فجوری انجام بشود، اما نظام کشور و اداره زندگی براساس اسلام نخواهد بود، ولی چیزی که جامعه اسلامی را مصونیت می‌بخشد حکومت اسلامی به معنای حاکمیت اسلام است و هنر بزرگ امام این بود که حاکمیت اسلام را مطرح کردند. ساختار خاص ایشان هم برای حاکمیت اسلام ولایت فقیه بود که مبنای بسیار مستحکمی دارد» (کنگره امام خمینی(ره)، به تاریخ ۱۱/۴/۱۳۷۸).

۳. مردم سالاری دینی در انتخابات، با توجه به ادله عقلی و نقلی

به حکم عقل، اطاعت از فرامین الهی واجب است؛ زیرا خداوند خیر محض و کمال مطلق است. تبعیت از کمال مطلق، امری بدیهی است که تصور دقیق آن، ما را به تصدیق می رساند؛ از طرفی از دیدگاه عقل، رتق وفتق مستقیم امور انسانی از سوی خدای عز و جل، محال است؛ بلکه باید انسان‌هایی عهده دار این امر شوند که به مقام خلیفه الهی رسیده، تجلی اسما و صفات الهی باشند تا عالم به اراده الهی شوند. در نهایت تنها با انگیزه اطاعت از پروردگار، رهبری جامعه به عهده بگیرند؛ اما این افراد به چه شکل باید شناسایی شوند؟ آیا شناسایی این افراد، از طریق ارزیابی های متعدد بشری یا رجوع به نظر اکثریت ممکن است؟ واضح است که انتخاب چنین شخصیتی از عهده انسان‌ها خارج است. زیرا لازمه اش، اشراف بر تمام ابعاد وجودی انسان کامل است. بنابراین به حکم عقل باید خود خداوند - که خالق انسان است - چنین افرادی را معرفی و نصب کند. از دیگر سوی، عالم مخلوق خدایی است که کمال مطلق است؛ از این رو باید بهترین نظم و قانون بر اساس عدالت را داشته باشد و به عبارتی باید نظام احسن باشد. در نظام احسن چون انسان‌ها از نظر کمال درجات متفاوتی دارند، عقل حکم می کند، حق حاکمیت برای کسانی است که از دیگر انسان‌ها در زمینه های مختلف کامل ترین باشند تا بتوانند استعداد های جامعه بشری را به فعلیت برساند. انسانی که رهبری جامعه انسانی به عهده او گذاشته می شود، نمی تواند ناقص باشد؛ بلکه ایشان باید در کمال انسانی به فعلیت رسیده باشد. همچنین واجد عصمت یا ملکه عدالت و تقوی باشد تا بتواند جامعه را از مهلکه جهل و گناه رهایی سازد؛ چون هرگز فاقد شی نمی تواند معطی شی باشد.

برای اثبات ضرورت حکومت انسان کامل، می توان از برهان حرکت نیز کمک گرفت. فلاسفه حرکت را به خروج تدریجی یک چیز از قوه به فعل تعریف کرده اند (ملاصدرا، ۱۹۸۱ م: ۲۱/۳) که نیاز به شش چیز دارد: مبدأ، منتهی، مسافت، زمان، متحرک و محرک. اگر جامعه را به عنوان متحرکی در نظر بگیریم که دارای استعداد و قوه هایی است که می خواهد به سمت فعلیت یافتن حرکت کند، نیاز به محرک دارد. این محرک خود باید فعلیت شیء بالقوه را داشته باشد و الا نمی تواند فعلیت بخش شیء دیگری باشد. مثلاً برای گرما بخشیدن به آب و حرکت دمای آب به سمت نقطه جوش، نیاز به محرکی (آتش) داریم که بالفعل گرما

را داشته باشد. رهبر جامعه باید واجد کمالاتی باشد که می خواهد انسان ها را به سمت آن هدایت کند و به عبارتی رهبر جامعه باید از هر حیث کامل باشد.

بنابراین، از حیث عقلی حاکمیت مستقل و بالذات از آن خدای تعالی است و در مرحله نخست، اعمال این حاکمیت بر عهده انسان کامل است؛ اما در دورانی که دسترسی به انسان کامل ممکن نباشد، چه باید کرد؟ قطعاً نمی توان حاکمیت اسلام را نادیده گرفت و به حکم به تعطیلی حاکمیت الهی نمود. حاکمیت الهی هست و نیاز همیشگی مردم به فرامین الهی هرگز از بین نخواهد رفت. در نتیجه، به حکم عقل کسی باید عهده دار زعامت مردم باشد. این شخص تا حد امکان باید به دایره وجودی انسان کامل، نزدیک باشد؛ هم عالم به اراده و احکام الهی باشد، هم خودش تا حد ممکن از خطا و گناه برحذر باشد و هم از توان مدیریتی بالایی برخوردار باشد. به طور قطع چنین شخصی جز فقیه عادل جامع شرایط نیست.

از دیگر سوی چون اصل اولی بر اختیار انسان است، حاکمیت انسان کامل در صورتی تحقق می یابد که انسان ها آن را بپذیرند. البته به حکم عقل انسان در اعمال اختیار خود نباید راه ناصواب را برگزیند. بر این اساس، سیره معصومین علیهم السلام بر محوریت انتخاب مردم بوده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خداوند مأمور می شود تا نسبت به ولایت حضرت علی علیه السلام از مردم بیعت بگیرد؛ (امینی، ۱۴۲۱ ق: ۶۵۱/۱-۶۶۹). حضرت در تبیین اختیار مردم در پذیرش ولایت الهی آن حضرت، می فرماید: «پسر ابی طالب! ولایت امتم حق توست. اگر به درستی و عافیت، تو را سرپرست خود کردند و با رضایت درباره تو به وحدت نظر رسیدند، امرشان را به عهده بگیر و بپذیر، اما اگر درباره تو به اختلاف افتادند، آنان را به خواست خود واگذار؛ چون خداوند گشایشی به روی تو باز خواهد کرد» (الطبری الامامی، ۱۴۱۵ ق: ۴۱۷؛ ابن طاووس ۱۴۱۲ ق: ۲۴۸-۲۴۹) در حدیث دیگری می فرماید: «یا علی! تو مانند کعبه ای که نزدش می روند و نزد کسی نمی رود. پس اگر مردم نزد تو آمدند و ولایت و حکومت را به تو سپردند، از آنان بپذیر و اگر نیامدند، نزد آنان مرو.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۸/۴۰)

بر اساس این سفارش حضرت، گرچه ثبوت ولایت امت برای امام علیه السلام به اذن الهی و تنصیب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، اما تصدی امور مسلمین، منوط به پذیرش مردم است. به عبارتی مشروعیت ولایت به امر الهی است اما بدون پذیرش و اقبال مردم، حاکم الهی نمی تواند با قهر و غلبه تصدی حکومت را به عهده بگیرد؛ و لذا امام علی

علیه السلام می فرماید: «آنچه بر مسلمانان، بعد از کشته شدن یا فوت امامشان، براساس حکم خداوند و حکم اسلام واجب است، این است که عملی انجام ندهند و دست به کاری نزنند و دست یا پا جلو نگذارند و قبل از هر اقدامی، به انتخاب رهبری پاکدامن، عالم، پرهیزگار و آشنا به قضا و سنت نبوی بپردازند تا کار آنان را سامان بدهد و بین آنان حکومت نماید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۴/۳۳)

به همین خاطر، حضرت علی علیه السلام شرط پذیرفتن حکومت را پذیرفتن مردم معرفی می کند: «ای مردم، این حکومت شماست، هیچ کس را در آن حقی نیست، جز کسی که شما برگزینید و امارت دهید.» (الطبری الامامی، ۱۴۱۵ ق: ۴۵۶/۳) بنابراین، مشروعیت حکومت اسلامی به مقبولیت آن توسط مردم گره خورده است.

این مطلب در نامه‌ای که امام حسن مجتبی علیه السلام قبل از صلح، به معاویه نوشت نیز مشهود است. حضرت در آن نامه، حوادث پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مورد تحلیل و بررسی قرار داد و فرمود: «همانا که علی علیه السلام که رحمت خداوند بر او باد، زمانی که رهسپار آخرت گردید ... مسلمانان مرا پس از ایشان مسئول و ولی امر و حاکم قرار دادند... و اگر تو چنین کنی و به حرف هایم گوش دهی و عمل کنی، بهره ای فراوان خواهی داشت و مصلحت مسلمانان در آن است. پس از شناسایی در باطل دست بردار و در آن جریانی که مردم وارد شده اند، داخل شو و با من بیعت کن.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۰/۴۴)

امام حسین علیه السلام نیز شرط قبول دعوت مردم کوفه را، پذیرفتن مردم و نخبگان کوفه معرفی می نماید: «من پسرعمویم مسلم را به سوی شما می فرستم اگر او به من بنویسد که نظر اکثریت شما و به خصوص فرزندان و شخصیت های شایسته شما مطابق با نامه هایی است که نوشته اید به سوی شما خواهم آمد.» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۹/۲)

با توجه به توضیحات مطرح شده، روشن می گردد که گرچه حاکمیت اصیل، حق و مشروع مخصوص خداوند متعال است و به حکم عقل، مشروعیت هر نظام سیاسی مبتنی بر اذن الهی است؛ اما اقتضای اراده تکوینی خداوند، حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش است. بنابراین خداوند، با ارائه ادله متقن و اتمام حجت از انسان می خواهد که برای رسیدن به سعادت، لازم است که یکایک مردم در انتخاب سرنوشت خویش به فرمانین خالق هستی

توجه نموده و مطابق دستورات الهی عمل نمایند. خداوند در آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» همانا خداوند بر هیچ گروهی آنچه را دارند (از نعمت و رفاه یا بلا و سختی) تغییر نمی دهد تا آنکه آنان آنچه را در خود دارند (از ایمان و کفر یا طاعت و فسق) تغییر دهند. «بنابراین مردم نقش مهمی در سرنوشت خویش دارند. این که انتخاب کنند چه شخصی رهبر، حاکم یا رئیس جمهور آنان باشد. چه کسی را برای مدیریت امورات خویش بگمارند تا بتوانند به سعادت دنیوی و اخروی نائل گردند. این که حتی رهبری و حاکمیت امام معصوم علیه السلام نیز به رضایت و انتخاب مردم بستگی داشته باشد، علاوه بر این که نقش پر رنگ مردم را در سرنوشت خویش نشان می دهد، وظیفه سنگینی را بر دوش ایشان می اندازد. در اینجا مردم باید گوش به فرمان دستورات الهی، فرامین آسمانی از انوار خاص الهی ائمه معصومین علیهم السلام و در غیاب ایشان از نائب بر حق ایشان، باشند و در این محور حرکت کنند تا در انتخابات کشور بتوانند انتخاب صحیحی برای سرنوشت خویش داشته باشند تا در نهایت به فیض کامل الهی دست پیدا کنند.

با توجه به مبانی عقلی مذکور و سیره اهل بیت عصمت و طهارت، اهمیت حضور در انتخابات برای مردم در جامعه اسلامی روشن می گردد. این سیره متشرعه نشان می دهد که مردم نقش پر رنگ و مهمی در جامعه اسلامی و خصوصا در انتخاب اصلح برای واگذاری امور اجرایی در قالب برگزاری انتخابات بر عهده دارند. در مردم سالاری دینی اداره و کنترل جامعه، در حوزه سیاسی توسط نمایندگان مردم، مطابق با ارزش های دینی و مذهبی صورت می گیرد. بنابراین مردم با تصمیمات خود می توانند در سرنوشت خود تاثیر اصلی و بنیادی بگذارند. مسئله انتخابات امروز یکی از مصادیق مهم مردم سالاری دینی است و مردم با مشارکت خود، در حقیقت (ضمن عمل به دستور الهی) برای آینده خویش تصمیم گرفته، سرنوشت خویش را رقم می زنند. البته باید دقت لازم در انتخاب اصلح را داشته باشند تا تاثیر درستی در سرنوشت خویش داشته باشند و با این عمل در تقویت و پایداری حکومت اسلامی نقش مهمی را ایفا نمایند. .

نتیجه گیری

در نظام جمهوری اسلامی ایران، خواست و اراده مردم از جایگاهی متمایز و ارزشمند برخوردار است، به نحوی که در انتخابات احترام به خواسته و اراده مردم، در اوج خود قرار می گیرد. اراده مردم یکی از عوامل اساسی برای استمرار حاکمیت است. لازم به ذکر است که این خواست و اراده از یک منطق خاص پیروی می کند که باعث تمایز این نظام از نظام های دموکراسی لیبرال غربی و نقش مردم در آن است. انتخاب یک فرد صالح توسط مردم در انتخابات، یک انتخابی است که بر اساس بصیرت سیاسی و دیدگاه مذهبی انجام می شود و مبتنی بر اصول دینی و احکام الهی است. مردم سالاری دینی به این معناست که اداره و کنترل جامعه، در حوزه سیاسی توسط نمایندگان مردم، مطابق با ارزش های دینی و مذهبی صورت می گیرد. برای مردم سالاری دینی، مفاهیمی مانند جانشینی انسان از طرف خدا در زمین، اداره جامعه بر اساس مشاوره و شورا، و مشروعیت قانون گذاری انسان در حوزه هایی که مشخص نشده است، معرفی شده است. این نوع حکومت دارای ویژگی هایی نظیر مشروعیت دوگانه «الهی و مردمی» است، به طوری که اداره امور حکومتی بر اساس رأی مردم و رعایت اصول الهی و اسلامی انجام می شود. حضور قوی و جایگاه مردم در انتخابات های مختلف نشان دهنده این حقیقت است که این دو بُعد الهی و مردمی در نظام جمهوری اسلامی ایران به واقعیت درآمده است. با توجه به ادله عقلی و نقلی نیز نشان داده شده است که مردم در این نظام دینی دارای جایگاه رفیعی هستند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امینی، عبدالحسین، الغدير، قم: مركز الغدير للدراسات، ۱۴۲۱ ق.
۳. جوان آراسته، حسین، «قانون اساسی و مبانی حاکمیت دینی در قانونگذاری» حکومت اسلامی، ۱۳۸۲، شماره ۲.
۴. شفیعی، محمود، «مردم سالاری دینی در قرآن»، در مجموعه مقالات همایش مردم سالاری دینی به کوشش محمدباقر خرمشاد، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۵ ش.
۵. شیرازی محمد (ملا صدرا)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۶. الطبری الامامی، محمد بن جریر، المسترشد فی امامه امیرالمومنین علی بن ابی طالب، تهران: موسسه الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۵ ق
۷. مبلغی، عبدالمجید، «سودمندگرایی سیاسی و مردم سالاری دینی»، در نشریه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۵، ۱۳۹۳ ش.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: موسسه الفاء، ۱۴۰۳ ق.
۹. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، جایگاه مردم در نظام اسلامی: تبیان آثار موضوعی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تابستان ۱۳۷۹ ش.
۱۰. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق.

